

## آرزویی که برآورده شد؟!

خیال‌تان راحت شد آقایان! بالاخره به آرزوی نهفته خود در زمینه جدکردن جشنواره عظیم و باشکوه فیلم فجر به دو بخش داخلی و خارجی رسیدید اما به چه قیمتی؟ واقعاً به صرف پذیرفته‌شدن در «فیافیف» می‌ارزید نه‌تنها جشنواره بلکه کل خانواده سینما و اهالی رسانه و منتقدین را از نظر فکری و روحی به چند دسته، نحله و گرایش شقه‌شقه کنید؟ که چه بشود؟ درحالی که این‌روزها به‌دلیل برگزاری جشنواره بین‌المللی فیلم فجر باید کلیت خانواده سینمای ایران و ایضا رسانه‌ها و منتقدین ، هنرجویان و علاقه‌مندان در حال‌وهوای شور و شعف می‌بودند، همه‌چیز به‌خاطر جداسازی جشنواره به‌عکسش تبدیل شد. جشنواره برگزار و تمام شد اما تهنش چه ماند؟ به‌قول معروف از این هزینه‌کرد، چیزی ته کاسه اسلام و ایران ماند یا همه هزینه برای دورهمی و وعده‌مانندی بود که فقط رضایت دوستان فیافیف را در پی‌داشته باشد؟ اتفاق عجیب قضیه اینجاست که دولت هنوز بر طبل شعار وفاق و همدلی می‌کوبد ولی وزیر ارشادش خواسته با ناخواسته با برپایی شکلی از فستیوال موافقت کرد که نوعی سازکوارضد وفاق را در پی داشت. نکته درخور تأمل قضیه‌هم این‌که‌ایشان درپیمای تلویحاجشنواره را ناکام و در حد«مجال» برای توقیف در سال‌های بعدی معرفی کرد. نکته عجیب‌تر داستان این‌که برخی افراد به‌کارگرفته شده در مقام‌های داوری و... در سازمان جشنواره از جمله مخالفین تند، منتقدین جدی و معترض به جشنواره در سال‌های قبلی بودند تا حدی که بعضی از کلمه «مرده‌شور بیرتش» استفاده کرده بودند اما حالا همین افراد برای پست‌هایی به کار دعوت شدند که قاعدتا باید مبلغ و مروج و مدافع این رویداد می‌بودند! به‌نظر باید به‌صورت جدی پاسخ دهند که پرداخت حق عضویت چند میلیاردری در فیافیف، آن‌هم از بودجه فقیرانه سینما چه دستاوردی برای سینمای کشور دارد یا خواهد داشت؟ در واقع تاکنون که نتوانسته‌اند یک دلیل قانع‌کننده برای این اتفاق ارائه دهند، جز این‌که عنوان شده برای عضویت در فیافیف باید جشنواره را در ماه‌های نوامبر و دسامبر برگزار کنیم، همین. یا شاید چون یکی از شخصیت‌های ذی‌نفوذ خانه سینما، معاون فیافیف است باید این درهم‌شکستگی جشنواره بزرگ فجر اتفاق می‌افتاد؟ آیا باید به‌جای غمخواری برای سینمای ایران و جشنواره عظیمش، برای افزایش درآمد تشکیلات کم‌خاصیت فیافیف همیاری صورت می‌گرفت؟ آیا غیر از این است؟ یا مثلاً نامی از جشنواره فجر در فهرست فدراسیون انجمن‌های تهیه‌کنندگان فیلم (فیافیف) ثبت شود، یعنی نمی‌شد با همراهی، همکاری و صرف انرژی در جهت استحکام‌بخشی بیشتر و قدرت یکپارچگی جشنواره فیلم فجر کوشا باشند تاحدی که اعتبار آن فرونی و دیگران را حسرت به‌دل کنند تا به‌اصطلاح بالکله برای حضور و مشارکت در بهمن‌ماه بشتابند نه این‌که مانند‌الان دوره بیفتند و نهایتاً به چند چهره درجه دوم و سوم جهانی قانع شوند.

**بعدالتحریر:** طبعاً و منطقاً به‌دلیل عدم حضور نگارنده در جشنواره، رویکرد این مطلب تحلیل و بررسی انشقاق سینمایی روی داده در محیط سینما و هنر کشور بود. لذا نقد جزئیات محتوایی و اجرایی جشنواره برعهده حاضرین در این رویداد است اما تا همین‌جا هم مطابق گزارش برخی از اهالی رسانه، درموردنحوه برگزاری تا شیوه نمایش فیلم‌ها و خصوصاً نادیده گرفته شدن اتفاقات سیاسی/میلیتارستی اطراف و انکاف کشورمان، جای پرسش و تأمل جدی دارد که امید می‌رود خبرنگاران، منتقدان و مهمانان شرکت‌کننده (به‌منظور بهبود عملکرد و ارتقای جشنواره در دوره‌های بعدی) نمک‌گیر روابط عمومی نشده و قضیه را به شوخی برگزار نکنند.

## اعضای شورای سیاست‌گذاری هفت خوان بازی منصوب شدند

به گزارش مرکز روابط عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ در احکامی جداگانه حسین انتظامی (معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت فرهنگ)، محمد حاجی‌میرزایی (مدیرعامل بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای)، محسن برمهانی (معاون سیمای سازمان صداوسیما)، محمدامین توکلی‌زاده (معاون اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران) و عباس حیدری (مدیرعامل برج

میلاد) را به‌عنوان اعضای شورای سیاست‌گذاری رویداد «هفته بازی ایران ۱۴۰۴ (هفت‌خوان بازی)» منصوب کرد. در متن احکام تأکید شده است: «با توجه به نقش کلیدی زیست‌بوم بازی‌های دیجیتال به‌عنوان پیشران قدرت نرم در صنایع خلاق فرهنگی، برای هماهنگی بین‌سازمانی، اولویت‌بخشی به محتوا، فرهنگ‌سازی و جریان‌سازی فرهنگی، شما را به عضویت این شورا منصوب می‌کنیم.



سازندگان فیلم «فرشته‌ها نمی‌میرند» معتقدند به‌رغم جنایت صهیونیست‌ها، فلسطینی‌ها همچنان از مقاومت حمایت می‌کنند

🔴 **مردم غزه هیچ‌گاه علیه مقاومت نشدند**

او با بیان این‌که در طول بیش از بیست و چند ماه جنگ، اگر حتی ۵۰ یا ۱۰۰ نفر از مردم غزه جایی علیه مقاومت تظاهرات می‌کردند، رسانه‌های بزرگ دنیان را خبر اول می‌کردند اما چنین چیزی هیچ‌گاه به‌طور گسترده رخ نداد. در نهایت امیدوارم این فیلم باعث شود تکلیف غزه یک‌بار برای همیشه در وجدان جهانی روشن شود و به فراموشی سپرده نشود. جهان باید یک بار، تکلیف خودش را با غزه مشخص کند.

🔴 **لژوم فیلمسازی برای غزه**



مرتضی شعبانی، تهیه‌کننده دومین نفری است که از او درباره فرآیند تهیه‌این فیلم سؤال می‌کنیم، او درباره فرآیند ساخت آن به جام‌جم می‌گوید: وقتی موضوعی مانند غزه مطرح می‌شود که به فرمایش حضرت آقا و امام راحل مسأله اول جهان اسلام است، برای ما به‌عنوان یک مسلمان، انجام کاری در این زمینه واجب به‌نظر می‌رسد؛ به‌ویژه جنگ اخیر که از حدود دو سال و چند ماه پیش آغاز شد و به نوعی تمام دنیا را تحت‌تأثیر قرار داد. ما نیز به‌عنوان انسانی که از این موضوع متأثر هستیم، طبیعی بود که سراغ آن برویم و بخواهیم مستندی در این رابطه تولید کنیم.

🔴 **چالش در دسترس نبودن سوزها**

اودر رابطه با چالش‌های فیلمسازی در حوزه غزه تشریح کرد: بزرگ‌ترین چالش این بود که دسترسی مستقیم به سرزمین غزه وجود نداشت و امکان حضور فیلمساز در آنجا میسر نبود. وقتی خود فلسطینی‌ها نباشند، نمی‌توانند به سرزمین‌شان وارد شوند (حتی کسانی که شناسنامه فلسطینی دارند)، طبیعی است ما به‌عنوان ایرانی، در خط‌قرمز قرار داریم. اگر فیلمسازی از هر جای دنیا بتواند به آنجا برود، ما حداقل نمی‌توانیم. ما به سوزها دسترسی مستقیم نداشتیم اما به‌تدریج توانستیم با چند گروه فیلمبرداری در منطقه غزه ارتباط برقرار کنیم و یک یا دو گروه با ما همکاری کردند تا ایده‌ای را که کارگردان، تدوینگر و خودمان داشتیم عملیاتی کنیم. شعبانی درباره

🔴 **برهیز از خشونت و فاجعه‌نگاری جنگ**

او با اشاره به سنگین و تلخ بودن شرایط زندگی در غزه و لزوم امید داشتن، بیان کرد: از ابتدا تصمیم داشتم فاجعه‌نگاری نکنم؛ یعنی حتی‌المقدور لکه خونی نشان ندهم، خشونت مستقیم‌نمایش ندهم و مخاطب را به گریه نیندازم. نمی‌خواستم تماشاگر با تصاویر چندش‌آور روبه‌رو شود. هدفم این بود تأمل کند، نه این‌که صرفاً احساساتی شود. به‌همین دلیل خودمان بسیاری از تصاویر را حذف یا محدود کردیم تا احساسات بر عقل غلبه نکند. نتیجه این شد که فیلم بسیار آرام و با طمأنینه زندگی روزمره مردم غزه را زیر آتش سنگین نشان می‌دهد. در عین حال واقعیت را پنهان نکرده‌ایم. مجبور بودیم از راه دور کار کنیم. ابتدا تمام وقایع‌نگاری‌هایی را که از داخل غزه منتشر



سینمای کودک و نوجوان ایران روزهای طلایی خودرا سپری می‌کند و جدیدترین محصول مرکز انیمیشن سوره، با ثبت رکوردی تاریخی، معادلات گیشه را تغییر داده است. انیمیشن سینمایی «یوز» به کارگردانی رضا ارزنگی، تنها با گذشت دو ماه از آغاز اکران، توانست با عبور از مرز فروش ۶۹ میلیارد تومان، عنوان پرفروش‌ترین انیمیشن تاریخ سینمای ایران را از آن خود کند. این اثر ماجراجویانه که روایتی از تلاش یک یوزپلنگ ایرانی برای بازگشت به وطن است، با پیشی گرفتن از رقبای قدرتمندی همچون «ببعی قهرمان» و «بچه‌زنگ» که پیشتر رکوردهای ۶۸ و ۶۳ میلیارد تومانی را در اختیار داشتند، بر صدر جدول نشست. موفقیت «یوز» تنها به فروش کلی محدود نمی‌شود. این اثر پیشتر در روز جهانی کودک نیز با جذب ۷۰ هزار مخاطب و ثبت ۴۸ سانس فوق‌العاده، رکورد پرفروش‌ترین روز تاریخ سینمای کودک را جابه‌جا کرده بود.

## یوز بر قله انیمیشن ایران



سینمای ایران گامی دیگر در جهت عدالت فرهنگی برداشت و فیلم تحسین‌شده «بچه

## به شهرهای فاقد سینما

سینمای ایران گامی دیگر در جهت عدالت فرهنگی برداشت و فیلم تحسین‌شده «بچه مردم» برای مخاطبان شهرهای فاقد سالن سینما به نمایش درمی‌آید. همزمان با رونمایی از پوستر جدید این اثر به طراحی زهره سراج، چرخه اکران سیار آن از دوشنبه ۱۰ آذرماه توسط موسسه «بهمن سبز» رسماً آغاز شد. این فیلم به کارگردانی محمود کریمی که پیش از این در چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر تحسین‌منتقدان را برانگیخته بود، طی اکران عمومی خود موفق به جذب ۱۴۰ هزار مخاطب و فروشی معادل ۱۲ میلیارد تومان شده است. طرح اکران سیار که با هدف پوشش مناطق محروم تاکنون در بیش از ۱۰۰۰ شهر کشور اجرا شده، اکنون فرصتی فراهم کرده تا این محصول موسسه «بهشت امام رضا(ع)» در مدارس، کانون‌های فرهنگی و دانشگاه‌های سراسر ایران دیده شود. علاقه‌مندان برای میزبانی و هماهنگی اکران این اثر می‌توانند به سامانه esayar.ir مراجعه کنند تا «بچه مردم» مهمان چشمان مشتاق در دورترین نقاط کشور باشد.

## سفر «بچه مردم» به شهرهای فاقد سینما

سینمای ایران گامی دیگر در جهت عدالت فرهنگی برداشت و فیلم تحسین‌شده «بچه مردم» برای مخاطبان شهرهای فاقد سالن سینما به نمایش درمی‌آید. همزمان با رونمایی از پوستر جدید این اثر به طراحی زهره سراج، چرخه اکران سیار آن از دوشنبه ۱۰ آذرماه توسط موسسه «بهمن سبز» رسماً آغاز شد. این فیلم به کارگردانی محمود کریمی که پیش از این در چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر تحسین‌منتقدان را برانگیخته بود، طی اکران عمومی خود موفق به جذب ۱۴۰ هزار مخاطب و فروشی معادل ۱۲ میلیارد تومان شده است. طرح اکران سیار که با هدف پوشش مناطق محروم تاکنون در بیش از ۱۰۰۰ شهر کشور اجرا شده، اکنون فرصتی فراهم کرده تا این محصول موسسه «بهشت امام رضا(ع)» در مدارس، کانون‌های فرهنگی و دانشگاه‌های سراسر ایران دیده شود. علاقه‌مندان برای میزبانی و هماهنگی اکران این اثر می‌توانند به سامانه esayar.ir مراجعه کنند تا «بچه مردم» مهمان چشمان مشتاق در دورترین نقاط کشور باشد.



## فجر جهانی ویترونی برای دیده‌شدن فیلم‌ها

شعبانی درباره حضور در جشنواره جهانی فیلم فجر نیز گفت: وقتی فیلمی ساخته می‌شود، شاید فقط ۳۰ یا ۴۰ درصد راه طی شده باشد و باقی ماجرا «دیده‌شدن» آن اثر است. هدف اصلی ما این است که فیلم به چشم بیاید، پیامش به مخاطب برسد و اثر خودش را بگذارد. اگر فیلمی ساخته شود ولی هیچ‌گاه اکران و دیده نشود، قطعاً به اهدافش نمی‌رسد. جشنواره بین‌المللی فیلم فجر همین فرصت را به ما می‌دهد؛ جایی که تهیه‌کنندگان، سرمایه‌گذاران، خریداران فیلم و شبکه‌های تلویزیونی از سراسر دنیا حضور دارند. فیلم‌رامی ببینند و امکان بخش آن در کشورهای مختلف فراهم می‌شود. بنابراین جشنواره برای مایک بازار بین‌المللی و یک ویترونی مهم است برای این‌که «فرشته‌ها نمی‌میرند» به جهان نشان داده شود.

ویژگی‌هایی که موجب شد تهیه‌کنندگی فیلم را به‌عهده بگیرد، عنوان کرد: گروه اصلی تولید تا پیش از ساخت این فیلم، تمام مستندهایی را که درباره غزه و جنگ اخیر و حتی جنگ‌های قبلی ساخته شده بود، دیده بودند تا چیزی تکراری نباشد. موضوع دوم این بود که ما با سرزمینی با بیش از دو میلیون نفر جمعیت مواجهیم که در محاصره کامل است و با این‌که دائم اخبار جنگ را در رسانه‌ها می‌شنویم، تصویر روشنی از زندگی روزمره مردم نداریم. بخش‌های خبری عمدتاً صحنه‌های تخریب، بمباران و شهادت را نشان می‌دهند که طبیعی هم هست، چون خبر به‌سمت جنبه‌های فاجعه‌بار متمرکز است. اما ما تلاش کردیم زندگی عادی مردم غزه را هم نشان دهیم که چگونه در این باریکه کوچک زندگی می‌کنند. این برای ما اولویت داشت که تصویری واقعی از زندگی در منطقه اشغالی غزه ارائه دهیم و همین اتفاق هم در فیلم افتاده است.

🔴 **درس ایستادگی مردم غزه به دنیا**

این تهیه‌کننده درباره حضور کودکان در فیلم نیز عنوان می‌کند: بالاخره جنگ پدیده خشنی است و حضور کودکان، زنان و پیرمردها و کسانی که هیچ تناسبی با جنگ ندارند، چهره فیلم را متغایر می‌کند. جنگ هشت‌ساله خودمان در مناطق مرزی بود و مردم می‌توانستند شهر را ترک کنند و به مناطق امن‌تر بروند اما در نوار غزه چنین امکانی هیچ‌گاه وجود ندارد. در غزه یک «خط مقدم» به‌معنای کلاسیک که فقط رزمندگان در آن بجنگند، وجود ندارد و تمام نوار غزه خط مقدم است. همه‌جا به یک‌اندازه در معرض خطر و آسیب است. ما زندگی مردم در چنین شرایطی را «مقاومت» می‌نامیم. مردم غزه با همین زندگی‌کردن روزمره‌شان در این سرزمین، به همه دنیا درس مقاومت می‌دهند و می‌گویند چگونه می‌شود در برابر ظلم ایستاد و تسلیم نشد.